

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید موسی عثمان هستی

۰۸ دسمبر ۲۰۱۵

## "اسماعیل اکبر"

### شخصیت چندبعدی نبود، بشقاب چین خوب هرخوان سیاست بود

گرخواهی

درهدست

چاقوشوی

یا بعد مرگ

درتاریخ چو پرقو شوی

باعزم استوار

هچوکوه گران

تانگویند ترا

قابچی باشی هرخان

شاعری وزن و بیترازو

مانند "اسماعیل اکبر" از کمبود آکسیجن رنج می برم تنها این مریضی من شباهت نزدیک به "اسماعیل اکبر" که او را از جوانی می شناختم دارد ولی مریضی سیاسی که زنده یاد "اسماعیل اکبر" داشت نه تنها من نداشتم اوسر هرخوان سیاست لفاظی کرد و دور دسترخوان قدرت مندان بشقاب تملق چید.

حتی از فروختن خون همزمانش دریغ نکرد و در رکاب خلق و پرچم لب پیش نمود و بوسه جانانه زد دلش یخ نکرد چین دوستم به شانه کرد و در آنجا هم گلیمش از آب بر آمد.

نامه ای به سفیر امریکا نوشت تا گرجف مانند جای پای در دربار امپریالیست باز کند وقتی که نامه به سفارت امریکا نوشت دیر بود نه تنها امریکا ارتجاع منطقه و بدتر از آن نسل جوان او را بهتر شناخته بودند از ریختن آب سیاست در آسیاب او خودداری می کردند.

در آخر عمر نه تنها از کوتاه نفسی رنج می برد اعمال سیاسی گذشته خود را در دل خود ورق می زد. آه ندامت سر می داد و در آرشیف دلش گذشته ها را انبار می ساخت به گفته همسنگران او در آخر عمر مالیخولیایی و یوازه سر آمده بود.

روش های سیاسی گذشته او خدا کند بعد مرگ او سرمشق تسلیمی سفزا و ساما شده باشد و از مرگ او پند بگیرند و نگذارند سر هر آخور سیاست پای شان را ببندند و از آنان آقا بلی گوی مانند اسماعیل اکبر بسازند.

سیاست مدار می میرند ولی تاریخ نمی میرد و ذهن مردم کند نمی شود گرچه گفته اند سر زمین ما زنده نیک نام و مرده بد نام ندارند ولی من به این عقیده نیستم سرزمین ما زنده نیک نام و مرده بدنام دارد و تاریخ گویای این مدعای من است.

همان طوری که رهبران مرده حزب دموکراتیک خلق رهبران مرده بیشترم مجاهد و طالب جنایات شان فراموش مردم مانده و نمی شود و به قول شاعر

### **پدرگشتی و تخم کین کاشتی پدر کشته را کی بود آشتی**

زیبائی در این جاست که حافظه تاریخ کند نیست و کند نمی شود اگر مؤرخ بی وجدانی پیداشود مانند احمدشاه مسعود از خاینین قهرمان سازی کند روزی فرا می رسد مشت تاریخ نویس خاین و شرف باختهها را بازکنند تا سیاه روی شود هر که در او غش باشد امید است کشیدن جسد علی مزاری و ببرک کارمل پندفراموش ناشدنی به دیگر خاینین و حمایه گران نابکارشان شده باشد.

و اگر دوستان بی حافظه خاینین بعد مرگ با قلم و تبلیغ خواسته باشند او را زنده نگهدارند می توانند نامش را زنده نگهدارند ولی هرکی از پهلوی آن نام بگذرد اگر به قدر بی وجدانی "باقی سمندر" وجدان داشته باشند بینی خود را می بندند و از پهلوی نام خاین باشتاب می گذرند

"باقی سمندر" بهترین مثال "اسماعیل اکبر" در جامعه افغانی شده می تواند "اسماعیل اکبر" در سفزا و "باقی سمندر" در اخگر این هر دو در سیاست روی یک سکه بودند اگر "اسماعیل اکبر" را در کنار خود نداریم بدبختانه "باقی سمندر" را هنوز داریم که خط مشی سیاسی "اسماعیل اکبر" را در سیاست امروز تعقیب کند و از هر دریچه سیاست کله کشک و دهن کجی می کند.

گفتنی زیاد است ولی حوصله نیست اگر کاسه لیبی سر از درباری بلند کند و به نام خود و هویت خود چیزی بنویسد تا از این دوشخصیت هم قامت دفاع کند مقابل دوغ آنها پاغنده خواهیم زد

اگر به نام مستعار بنویسد تنبان ناشر نویسنده را خواهم کشید به جواب مستعار نویس چیزی نمی نویسم من فقیر هر دروازه قلم نیستم که بر دهن هر سگ دیدو بزنم همین که شرف باخته هویت اصلی خود را زیر نام مستعار پنهان می کند همان شکنجه وجدانش به او کافی است ایجاب جواب گفتن رانمی کند

مائوتسه دون، رهبر فقید چین چه خوب زیبا گفته ولی سیاست مداران هر جایی پند نمی گیرند فکر می کنند تا ابد زنده هستند آقابلی گو دارند بیشتر مانه به زیر هر دهل و سرنای سیاست مداران خود فروخته و شرف باخته می رقصند.

مائوگفت: مرگ یکی سنگین تر از کوی تای و مرگ دیگری سبکتر از پرقواست. بلی کسانی که از مردم فاصله گرفته اند و در خدمت ارتجاع و امپریالیسم قرار گرفته و قرار دارند مرگ آنها به گفته رهبر فقید چین پرقواست.

ناگفته نماند در بین سفزا و ساما کسانی هستند که مورد تأیید توده هامیلیونی می باشند، عکس آن نه تنها در سفزا و ساما بلکه در دیگر سازمان ها هم اشخاصی هستند مانند "سیماسمر" که بر سر کتاب گرنگ ارتجاع و امپریالیسم چوری شرف باختگی می زنند و جرات افشگری ندارند